



برگی از مقدمهٔ سرمهٔ سلیمانی

علی اشرف صادقی

در سال ۱۳۶۴ دکتر محمود مدبری فرهنگ فارسی به فارسی سرمهٔ سلیمانی اثر تقی‌الدین اوحدی بلیانی اصفهانی مؤلف تذکرهٔ معروف عرفات العاشقین را در سلسله انتشارات مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رساند. مدبری در تصحیح کتاب از دو دست‌نویس دانشگاه تهران و کتابخانهٔ ملک استفاده کرده، اما در مقدمهٔ خود متذکر شده که نسخه‌ای از این کتاب نیز به شمارهٔ ۱۷۴ در کتابخانهٔ لنینگراد موجود است و به فهرست زالمان - روزن، ص ۱۶، ارجاع داده است.

نسخه‌های دانشگاه و ملک از اول و آخر ناقص است، اما این افتادگی‌ها زیاد نیست. افتادگی اول کتاب به اندازهٔ یک صفحه است که مربوط به مقدمهٔ مؤلف است. نگارنده پس از انتشار و چاپ این فرهنگ طی نامه‌ای از استاد مرحوم خانم دکتر لیدیا اسمیرنوا استاد زبان و ادبیات فارسی در لنینگراد خواهش کرد که عکسی از بخش افتادهٔ آغاز نسخه برای بنده بفرستد، اما به علت عدم امکان عکس‌برداری در آن کتابخانه، نامبرده

لطف کرد و این بخش را به خط خود نوشت و برای بنده ارسال کرد. این افتادگی که بیش از یک صفحه را در بر نمی‌گیرد شامل تحمیدیۀ کتاب است. خانم اسمیرنوا سعی کرده است متن این بخش را دقیقاً رونویسی و در موارد نادرست یا ناخوانا عیناً نقاشی کند. دست‌نوشته او نشان می‌دهد که این نسخه - لاقلاً در مقدمه - بسیار مغلوط کتابت شده است. نگارنده آنچه را در توان داشت در تصحیح این یک صفحه به کار برد. با این‌همه در بعضی موارد از عهده تصحیح متن برنیامد و ناچار از استاد مرحوم دکتر عباس زریاب خوبی استمداد کرد. آن استاد بی‌نظیر تصحیحات و حدس‌های خود را در کنار صفحه یادداشت و مرا مرهون لطف خویش ساخت. آنچه در زیر می‌آید متن این بخش همراه تصحیحات و حدس‌های نگارنده و آن مرحوم است. با این‌همه هنوز بعضی موارد محتاج به تصحیح در متن باقی است.

فرهنگ سروری یا کتاب سرمه سلطانی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

اللهم بقی (؟) زادنا (؟) و الانبياء فقائنا^۲ (؟) انک علی کل شیء قدير و بالاجابة جدیر. بهتر لغتی^۳ که متکلمان بدیع‌البیان زبان‌آوری، یعنی بلبلان گلستان کمال، و نکوترین نکتی که منشیان عذب^۴ اللسان سخنوری، یعنی طوطیان شکرستان مقال، زبان بلاغت بیان را متکلم و لسان فصاحت نشان را به آن مترنم فرمایند شکر و ستایش احدی است، پروردگار جلّت^۵ عظمته، و حمد و نیایش^۶ واحدی، آمرزگار عظمت^۷

(۱) کاتب در اینجا فرهنگ سروری را با سرمه که به غلط آن را سرمه سلطانی - احتمالاً به جای سرمه سلیمانی یا

سپاهانی - نوشته خلط کرده است. (۲) ظاهراً: واجعل الانبياء شفعاثنا

(۳) اصل: نعتی. تصحیح از استاد زریاب است. (۴) اصل: غریب. تصحیح از استاد زریاب است.

(۵) اصل: جل (۶) اصل: ثنایش (۷) اصل: عظم

قدرته که به اقتضای^۸ ارادت ازلی نقطهٔ تعین^۹ مدار وجود بیرنگیش^{۱۰} که ذات معراً از لباس تقیدات اسما [ء] و صفات [است]، به مجرد التیام کاف و نون^{۱۱} در حین ظهور کنز^{۱۲} مخزون، ابداع دیوان با برکات وجود و اختراع کلمات متبرکات غیب و شهود که [به لغت اهل تحقیق عبارت از اعیان ثابتة و محیط و مرکز صاعده^{۱۳} و هابطه^{۱۴} است بر وجه احسن فرمود].^{۱۵}



۸) در نسخهٔ دانشگاه بخشی از کلمات سطور آینده باقی مانده است.

۹) اصل: تعین (۱۰) اصل: نیرنگیش. شاید بیرنگش (۱۱) اصل: کاف سون

۱۲) اصل: که (۱۳) اصل: ساعده (۱۴) اصل: هابط

۱۵) قسمت میان دو قلاب از متن چاپی برداشته شد تا هم ساخت و معنی عبارت قبل از آن کامل باشد و هم نمونه‌ای از اغلاط کاتب در این قسمت به دست داده شده باشد.